



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در عدم جواز وقف برای کتابت تورات و انجیل بود زیرا از کتب ضاله و مضله هستند و این مطلب مسلم است زیرا هر کتابی که باعث ضلالت و گمراهی شود نوشتن و چاپ و منتشر کردن آن جایز نیست چراکه مقدمه معصیت و اعانت بر اثم و عدوان است اما صاحب جواهر در بحث وقف بعد از ذکر این مطالب فرمودند: «ولو وقف علیها بقصد الوجه الذي يجوز له إمساكها والنظر فيه» (مثل عالمی که مطالعه کند و انحرافات آن را بشناسد و با آنها مناظره کند) جاز، لکنه حیثین طاعة إلا أن الفرض لما كان نادرا أطلقوا المناع من الوقوف علیها، وکإطلاقهم المنع علی الحری، والبیع مع إمكان فرض جهة راجحة يجوز لها ذلك، لکنه بعد تسلیم إمكان فرضه خروج عن محل البحث كما هو واضح. هذا كله في وقف المسلم»^۱.

در قرآن و روایات تاکید فراوانی بر مناظره شده و از طریق مناظره وارد شده اند و از آنها سوال کرده و طلب جواب کرده اند، در قرآن کریم ذکر شده: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۲، خلاصه مناظره یک موضوع بسیار مهمی می باشد.

یکی از کسانی که در زمینه مناظره پیشتاز است شیخ مفید می باشد، حاج شیخ عباس قمی در کتاب الفوائد الرضویه از استادش شیخ حسین نوری نقل می کند که در کتاب اصحاب کمتر پیدا می شود که در جایی ادله و حججی بر اثبات مطلبی برای امامیه کتاباً و سنتاً ذکر شده باشد و شیخ مفید در آنجا صحبت نکرده باشد، شیخ مفید نسبت به دیگر فقهاء و علماء امتیاز ویژه ای دارد و آن امتیاز توقیعاتی است که امام عصر علیه السلام با عباراتی بسیار محترمانه برای ایشان صادر

شده است و بعد ایشان می فرماید علامه بحرالعلوم یک اشکالی کرده و گفته توقیعات فراوانی در زمان غیبت صغری توسط نواب اربعه رسیده در حالی که شیخ مفید متاخر است و در غیبت کبری بوده و در زمان غیبت کبری توقیع لامعنی له، محدث قمی اینطور جواب می دهد که شیخنا یعنی شیخ حسین نوری و خود ما قائلیم که هیچ اشکالی ندارد که در زمان غیبت کبری نیز توقیعاتی صادر شود و حتی شیخ حسین نوری در کتاب نجم الثاقب شواهد و قرائنی از سید مرتضی و ابن طاووس نقل کرده که در زمان غیبت کبری نیز صدور توقیع از ناحیه حضرت هیچ اشکالی ندارد و اگر کسی می خواهد به این مطلب یقین پیدا کند به توقیعاتی که بعد از مجالس مناظرات شیخ مفید با ارباب مذاهب مختلفه برایش صادر شده مراجعه کند، البته معلوم است که شیخ مفید نیز از شاگردان شیخ صدوق و ابن قولویه است و تقریباً در حوزه قم تربیت شده و در کتاب نخبه المقال که درباره روات و علماء بزرگ است و به صورت شعر می باشد درباره شیخ مفید اینطور گفته:

استاده صدوق السعید / و بعد عزّ رُحم المفید

خلاصه شیخ مفید از جهت مناظرات واقعا خیلی خدمت کرده است.

عرض کردیم که یکی از بحثهای مهم در کتب روایی ما همین مناظرات می باشد حالا برای نمونه مناظره امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون را بیان می کنیم که در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام که از تالیفات شیخ صدوق است نقل شده، شیخ صدوق ۳۰۰ تالیف داشته اما در حمله مغل از بین رفته اند و فقط ۲۴ عنوان از تالیفاتش باقی مانده، شیخ صدوق خصوصیتی دارد و به دعای امام عصر علیه السلام به دنیا آمده، پدرش یعنی علی بن بابویه نامه ای به امام عصر علیه السلام می نویسد و به وسیله حسین بن روح به حضرت می رساند و در آن نامه می نویسد که من فرزند پسر ندارم دعا کنید تا خداوند پسری به من بدهد، نامه را حسین بن روح به حضرت می رساند و بعد حضرت می فرماید ما دعا کردیم و خداوند به شما یک پسر فقیه خیری عنایت خواهد کرد، خب این جایگاه و ویژگی و امتیاز خاص شیخ صدوق را می رساند،

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۳۶.

^۲ سوره نحل، آیه ۱۲۵.

در کتاب مجالس المونین قاضی نورالله شوشتری در حالات شیخ صدوق نوشته در اوائلی که امام عصر علیه السلام به امامت رسیدند سنی ها کتب صحاح سته خودشان را تحت حمایت بنی عباس نوشتند و از اهل بیت علیه السلام بسیار کم ذکر کردند درحالی که ما می دانیم فقط امام صادق علیه السلام چهار هزار شاگرد داشته و هرکدامشان صدها یا هزارها روایت نقل کرده اند خلاصه مقصود بنی عباس این بوده که ائمه علیهم السلام را کنار بزنند تا بتوانند حکومت کنند، حالا در چنین شرایطی یعنی در سال ۳۰۰ به بعد در ایران یک حکومتی بوجود آمده که به پیشرفت مکتب اهل بیت علیهم السلام خیلی کمک کرده، یک ماهیگیری در رشت بنام ابو الشجاع سه پسر داشت احمد و حسن و علی که به اندازه ای شجاع و با تدبیر و لایق بودند که در ایران قیام کردند و شهرهای مهمی مثل همدان و اصفهان را تسخیر کردند و بعد به بغداد رفتند و توانستند جلوی حکومت بنی عباس قدرت پیدا کنند، اینها بنی بویه و دیلمیان هستند خلاصه این سه برادر که شیعه هم بودند توانستند حکومتی بوجود بیاورند و اینها تابع شیخ مفید و شیخ طوسی و شیخ صدوق و شیخ کلینی بودند لذا در این فرصت مکتب اهل بیت علیهم السلام بسیار پیشرفت کرد که خب از همینجا معلوم می شود که حکومت برای پیشرفت فرهنگ اسلام و اهل بیت علیهم السلام بسیار نقش موثری دارد.

خب و اما یکی از کتبی که شیخ صدوق نوشته عیون اخبار الرضا علیه السلام می باشد، یکی از خصوصیات که صدوق دارد این است که هر جایی حدیثی ذکر کرده سندش را نیز از خودش تا امام علیه السلام نقل کرده، عیون اخبار الرضا علیه السلام کتابی است که به خواسته صاحب بن عباد وزیر آل بویه نوشته شده او یک شیعه ی بسیار مخلص بوده و شخصی بسیار باسواد و شاعر و ادیب بزرگی بوده و اهل طالقان قزوین بوده و قبرش در اصفهان می باشد و جالب اینکه هیچ وزیری قبرش زیارتگاه نیست مگر همین صاحب بن عباد و حتی جالب اینکه صدوق می گوید او فقیه بوده، خلاصه صاحب بن عباد دو قصیده در وصف امام رضا علیه السلام برای شیخ صدوق می فرستد و می گوید شنیده ام که شما می خواهید به زیارت

حضرت بروید برای من هم دعا کنید، شیخ صدوق در اول کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام می گوید صاحب بن عباد برای من دو قصیده فرستاد و من نیز برای قدر دانی از ایشان این کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را می نویسم، حالا یکی از جریانات بسیار مهمی که در این کتاب ذکر شده همین مناظره حضرت با بزرگان یهود و نصاری و استدلال به تورات و انجیل بر علیه آنها می باشد، سند این خبر بسیار عالی است و ما دیگر سندش را نمی خوانیم، مأمون دستور می دهد تمام علماء و بزرگان از همه ادیان و مذاهب را جمع کنند و بیاورند تا با امام رضا علیه السلام مناظره کنند، خلاصه همه حاضر شدند و مجلسی تشکیل شد و مأمون اول به رئیس نصاری گفت این شخص پسر عموی من است و از حجاز آمده می خواهم که با او درباره مسیحیت بحث کنی، عالم مسیحی گفت او می خواهد از قران و کلمات پیغمبر خودش برای من بگوید درحالی که ما اصلا قران را قبول ندارم، حضرت رو به او کردند و فرمودند شما از هر جایی استدلال کنید ما با شما بحث خواهیم کرد، آن شخص گفت من بر اساس کتاب عیسی بحث خواهم کرد، اینجا حضرت فرمودند ما آن عیسی که بشارت داده به ظهور پیغمبر اسلام را قبول داریم، خب این نکته بسیار مهمی است زیرا الان نیز یهود و نصاری هیچ راهی برای اثبات نبوت عیسی و موسی ندارند مگر اینکه به قران ما مراجعه کنند زیرا از خودشان چیزی باقی نمانده و تمام مسائل مربوط به نبوت آنها در قران ذکر شده لذا اول باید قران ما را قبول کنند تا نبوت پیغمبرانشان ثابت شود، خلاصه حضرت رضا علیه السلام فرمودند ما آن عیسی را قبول داریم که به حواریین فرمود بعد از من پیغمبری بنام احمد صلوات الله علیه و آله خواهد آمد و بعد حضرت از تورات خودشان بر علیه خودشان استدلال کردند که بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهیرین